

جنسیت و اخلاق از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

فاطمه نیازکار*

حسین دیبا**

چکیده

این مقاله درباره جنسیت و اخلاق از منظر آیت‌الله جوادی آملی و مقایسه آن با برخی دیدگاه‌ها در فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فمینیسم است. این مقاله درصدد است با پاسخ به پرسش‌هایی مانند «آیا هنجارهای اخلاقی زنان با مردان متفاوت است؟» و «آیا جنسیت در اخلاق تأثیرگذار است؟» از منظر آیت‌الله جوادی آملی، مشکلات تعامل‌های اخلاقی جامعه را رفع کند. از آنجاکه روح انسان حقیقت واحدی دارد، اصول اخلاقی مطلق‌اند، احکام اخلاقی حاکم بر زنان و مردان از سوی شارع مقدس نیز یکسان‌اند و فقط در برخی فروعاً تفاوت‌هایی دارند؛ احکام اخلاقی جنسیت‌پذیر نیستند و اصول اخلاقی یکسانی بر زنان و مردان در تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم است.

کلیدواژه‌ها: اصول اخلاقی، جنسیت، اخلاق زنانه، اخلاق مردانه، آیت‌الله جوادی آملی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار دانشگاه پیام نور فارس. (niazkar@yahoo.com)

** عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم.

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۰۶

مقدمه

در تعاملات زنان و مردان چه در خانواده و چه در اجتماع، همواره مشکلات مختلفی وجود دارد و زنان و مردان به دلیل شناخت نادرست از ویژگی‌های روحی - روانی و تکوینی یکدیگر، با یکدیگر نامناسب رفتار کرده‌اند که برای هر یک مشکلات بسیار جدی ایجاد کرده است. برخی از این مشکلات به ویژگی‌های اخلاقی آن‌ها برمی‌گردد. آیا هنجارهای اخلاقی زنان و مردان از اساس متفاوت است؟ یعنی توصیه‌های اخلاقی به زنان و مردان متفاوت است؟ آیا اهداف اخلاقی زنان و مردان یکسان است؟ آیا اخلاق زنانه و اخلاق مردانه وجود دارد؟ آیا جنسیت در اخلاق تأثیرگذار است؟ اگر تأثیرگذار است، تأثیر جنسیت در احکام اخلاقی اجتماعی چیست؟ آیا این تأثیرگذاری فطری است یا زاییده عوامل تربیتی و اجتماعی است؟ یا جنسیت بر اخلاق تأثیرگذار نیست و اصول اخلاقی کلی وجود دارد که جنسیت‌پذیر نیستند و هر دو جنس ملزم به رعایت این اصول هستند؛ اما در فروع یا بعضی مصادیق با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند؟

این پژوهش می‌خواهد با پاسخ دادن به این پرسش‌ها، ریشه مشکلات تعامل زنان و مردان را در جامعه بررسی و به شبهاتی اشاره کند که موجب بروز رفتارهای نزاع‌آفرین در جامعه می‌شود و به جامعه در رفع موانع و معضلاتی یاری رساند که در تعاملات زنان و مردان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وجود دارد.

گردآوری اطلاعات در این پژوهش، به شیوه کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی است. در زمینه جنسیت و اخلاق تا کنون مقالات متفاوتی نوشته شده‌اند، از جمله: جنسیت و اخلاق در حدیث خصال النساء^۱؛ جنسیت و اخلاق مراقبت^۲؛ جوانان، جنسیت و اخلاق^۳؛

۱. ر.ک: اسلامی، سید حسن (۱۳۸۷) "اخلاق و جنسیت در حدیث خصال النساء"، فصلنامه علوم حدیث، سال سیزده، شماره ۳ و ۴، ص ۴۵-۶۰.

۲. ر.ک: اسلامی، سید حسن، ۱۳۸۷، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، سال ۱۱، شماره ۴۲، ص ۷-۴۲.

۳. ر.ک: صفری، فاطمه، ۱۳۹۲، جوانان جنسیت و اخلاق، پیام زن، سال ۲۲، شماره ۷، ص ۲۵-۴۰.

رابطه جنسیت با اخلاق حرفه‌ای در جامعه دانشگاهی و حرفه حسابداری^۱؛ جنسیت و هنجارهای اخلاقی در قرآن و روایت^۲؛ فراتحلیل تحول اخلاقی در تحقیقات انجام شده طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۸۸^۳؛ مقالات نامبرده به نوعی اخلاق و جنسیت را در موضوعات مختلف بررسی کرده‌اند اما تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور این است که مقاله حاضر تاثیر جنسیت بر اخلاق را صرفاً بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی مورد واکاوی قرار می‌دهد.

مفهوم‌شناسی

اخلاق: ابوعلی مسکویه درباره معنای اصطلاح علم اخلاق می‌گوید: «اخلاق حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تأمل و تفکر، آدمی را به سمت انجام کار حرکت می‌دهد.» (مسکویه، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۸) خواجه نصیرالدین طوسی نیز در تعریف علم اخلاق تصریح می‌کند: «علم است به آنکه نفس انسانی را چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی افعالی که به ارادت او از او صادر شود، جمیل و محمود بود.» (طوسی، ۱۳۶۰: ۴۸/۲) همچنین نراقی در تعریف علم اخلاق می‌گوید: «فایده علم اخلاق پاک ساختن نفس از صفات رذیله و آراستن آن به ملکات جمیله که از آن به تهذیب اخلاق تعبیر می‌شود.» (نراقی، ۱۳۷۰: ۱۹) بنابراین هر خلق مقتضی رفتار خاصی است که هدف از بعثت انبیای الهی نیز همین بوده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸)

جنسیت: معنای لغوی جنسیت، حالت و کیفیت جنس است (معین). «جنسیت»؛ اما در

۱. ر.ک: حجازی، رضوان، ۱۳۹۱، «رابطه جنسیت با اخلاق حرفه‌ای در جامعه دانشگاهی و حرفه حسابداری».

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۷، شماره ۱، ص ۴۰-۴۷

۲. ر.ک: دیلمی، احمد، ۱۳۹۱، «جنسیت و هنجارهای اخلاقی در قرآن و روایت» اخلاق و حیانی، شماره ۱، ص ۱۰۱-۱۲۳.

۳. ر.ک: شعبانی، زهرا، ۱۳۹۱، «فراتحلیل تحول اخلاقی در تحقیقات انجام شده طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۸۸» پژوهش و

نگارش کتب دانشگاهی دوره ۱۶، شماره ۲۷، ص ۴۲-۸۱

جامعه‌شناسی، دو واژه جنس^۱ و جنسیت^۲ برای اشاره به معنای زن و مرد به کار می‌رود. از نظر فمینیست‌ها جنس به تفاوت‌های زیستی اشاره می‌کند و جنسیت به جنس زن یا مرد براساس ویژگی‌های متفاوت رفتاری شکل گرفته در جامعه اشاره می‌کند (فریدمن، ۱۳۸۰: ۲۷). مراد از جنسیت در این پژوهش، دو جنس زن و مرد است؛ علاوه بر این اصطلاحات، واژه دو جنسیتی برای زنان و مردانی به کار می‌رود که هم ویژگی‌های زنانه دارند و هم مردانه هستند. جنسیت از نگاهی دیگر، «جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی مرد بودن و زن بودن انگاشته می‌شود.» (سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸: ۱۸) به عبارت دیگر، جنسیت نمود ویژگی‌های مردانه و زنانه در مواجهه با زندگی اجتماعی و فرهنگ از طریق اجتماعی شدن است. همچنین واژه جنس به تفاوت‌های زیستی زن و مرد، و جنسیت به ویژگی‌های شخصی و روانی اشاره می‌کند که اجتماع برای فرد مشخص می‌کند؛ یعنی همان مردانگی و زنانگی (باستانی، ۱۳۸۷: ۴۵).

۱. جنسیت و مبادی اخلاق

برای بررسی نقش جنسیت در اخلاق لازم است در ابتدا تأثیر یا عدم تأثیر جنسیت در مبادی اخلاق مورد بررسی قرار گیرد. در این بخش حقیقت روح انسانی و ظرفیت‌های شناختی و عاطفی و دیگر مواردی که در شکل‌گیری اخلاق نقش اساسی دارند به لحاظ متأثر بودن یا نبودن از جنسیت براساس دیدگاه‌های آیت الله جوادی آملی و دیگر صاحب نظران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱.۱. جنسیت‌پذیری روح

ابتدا باید جنسیت‌پذیری روح را از نظر آیت الله جوادی آملی و دیگر اندیشمندان متأخر بررسی کنیم. فلاسفه درباره حقیقت نفس و روح آدمی اختلاف‌هایی دارند؛ مانند مذکر یا

1. sex

2. gender

مؤنث بودن حقیقت نفس و روح انسان. برخی به حقیقت واحد روح برای زن و مرد اشاره می‌کنند و معتقدند آن‌دو از یک نوع و از دو صنف‌اند. برخی دیگر زن و مرد را از دو نوع می‌دانند و به روح زنانه و مردانه معتقدند. همچنین برخی به وجود روح مجرد در عالم قبل از دنیا معتقدند و برخی روح را از دل ماده بیرون می‌کشند و به تذکیر و تأنیث آن معتقدند (نیازکار و صادقی، ۱۳۹۵، ۲۵-۳۸).

آیت‌الله جوادی همانند بسیاری از حکیمان معتقد است که مذکر و مؤنث بودن از ویژگی‌های ماده است و صورت در آن نقش ندارد. ایشان درباره تفاوت جنس و ماده می‌گوید ماده اصنافی دارد که برخی صنف مذکر و برخی دیگر صنف مؤنث‌اند. از نشانه‌های بازگشت این‌دو (مرد و زن بودن) به ماده، آن است که نر و ماده بودن در حیوانات و گیاهان هم وجود دارد و اگر به صورت نوعی بازمی‌گشت، باید به انسان اختصاص می‌داشت و در مادون انسان دیده نمی‌شد (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۴۴-۲۴۵؛ صادقی، ۱۳۹۱: ۶۶-۸۳).

البته آنچه ممکن است در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تغییر جدی ایجاد کند، آن است که آیت‌الله جوادی آملی هرچند به وحدت حقیقی روح اعتقاد دارند، نباید از این نکته غافل شد که روح پس از تعلق به بدن در عالم دنیا، تحت تأثیر ویژگی‌های زیستی بدن قرار می‌گیرد و متناسب با آن ویژگی‌ها در عالم دنیا به حرکت خود ادامه می‌دهد؛ یعنی همان‌گونه که ویژگی‌های اخلاقی با ژن‌ها یا رفتار پدر و مادر در دوران بارداری به جنین منتقل می‌شود، روح را هم متأثر خواهد کرد. همچنین پس از تفکیک جنسیت در دوران جنینی، این ویژگی‌ها به هردو جنس منتقل می‌شود و روح هم تحت تأثیر آن ویژگی‌ها قرار خواهد گرفت. آنچه از این گفتار برمی‌آید، آن است که آیت‌الله جوادی آملی تأثیر جسم را در ساختار جنسیت قبول می‌کنند. ایشان همچنین از تأثیراتی سخن می‌گویند که روح از بدن، پس از تعلق به بدن می‌پذیرد و متناسب با جنسیت خود ویژگی‌های زنانه و مردانه پیدا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۵).

پس برای بررسی نقش جنسیت در حوزه‌های مختلف اخلاق، اتخاذ مبنای هستی‌شناسانه درباره جنسیت‌پذیری روح انسانی ضروری است. آیت‌الله جوادی آملی به

وحدت وجودی روح زن و مرد در حقیقت و ماهیت معتقد است. در ادامه نقش این مبنا را در اندیشه ایشان توضیح خواهیم داد.

۱.۲. جنسیت و بعد شناختی

یکی از مبادی مهم در حوزه‌های اخلاق، ظرفیت‌های شناختی انسان است که موجب قابلیت او در پذیرش تکالیف اخلاقی می‌شود؛ به عبارت دیگر، از آنجاکه مؤلفه اصلی در فعل اخلاقی، اختیار و اراده انسان است و آنچه قوام‌بخش اختیار در هر موجود است، نیروی درک است، میزان بهره‌مندی انسان از درک، ارتباط مستقیم با مسئولیت‌پذیری اخلاقی او دارد؛ از سوی دیگر، کامیابی در تشخیص وظایف اخلاقی، مرهون قوت تشخیص موقعیت‌های اخلاقی و انطباق آن‌ها بر اصول اخلاقی است. این‌ها مواردی است که اهمیت نیروی شناخت را در عرصه‌های مختلف اخلاق روشن می‌کند.

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است درباره عقل زن و عقل مرد مغالطه‌ای رخ داده است. وی به سخن علامه طباطبایی استناد می‌کند و می‌گوید: «علامه طباطبایی معتقد بود عقلی که در مرد بیشتر است، یک فضیلت زائده است، نه معیاری برای فضل و برتری عقل مرد بر عقل زن.» (علامه طباطبایی، بیتا، ۱۰۳) وی در ادامه می‌گوید معیار کمال انسانی در اسلام عقل است؛ پس کسی عاقل‌تر است که به کمال انسانی و قرب الهی دست یافته باشد؛ یعنی کسانی که عقل کمتری دارند، از قرب الهی محروم‌ترند؛ بنابراین چون عقل مردان بیشتر از زنان است، به خدا هم نزدیک‌ترند؛ اما این استدلال ناقص است و به دلیل اشتراک لفظی مغالطه‌ای رخ داده؛ از این رو دو نکته در اینجا مهم است: (۱) کدام عقل معیار کمال انسانی و قرب الهی است؟ (۲) زن و مرد در کدام عقل اختلاف و تفاوت دارند؟ ایشان سپس مغالطه را رفع می‌کند و می‌گوید عقل در مقدمه دوم با عقل در مقدمه اول تفاوت دارد؛ یعنی عقلی که باعث تفاوت زن و مرد شده با عقلی که موجب تقرب شده، متفاوت است. عقل اولی، عقل اجتماعی است؛ یعنی نحوه مدیریت مسائل سیاسی، اقتصادی، علمی و ... و عقل دوم، عقل «عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان» (کلینی، ۱۳۶۸: ۱۱/۱) است یا به قول رسول خدا ﷺ عقلی است که انسان با آن، نیرو، غرایز و امیال را عقال می‌کند (پابنده، ۱۳۷۶: ۲۲۳). در عقال غرایز و

شهوآت هرکس آن را کامل تر ببندد (البته منظور تعدیل است، نه تعطیل) مقرب تر خواهد بود؛ پس ممکن است مرد در عقل علوم، سیاست و کارهای اجرایی برتر از زن باشد؛ اما این عقل به تنهایی او را مقرب درگاه الهی نمی کند، بلکه فقط فضیلت زائدی است، یعنی علمی که ندانستن آن زیان نمی رساند؛ پس قرب الهی ملاک عاقل تر بودن زنان و مردان است و براساس معیار تقرب به خدا باید داوری کرد (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۴۹-۲۵۲ و بی تا: ۲۳۸)؛ بنابراین آیت الله جوادی آملی کاستی خرد زن را نمی پذیرد، نقص ادراکات عقلی زنان را نیز رد می کند و معتقد است که زنان به دلیل دور بودن از مسائل اجتماعی خاص و حضور نیافتن در عرصه های مختلف اجتماعی، تجربه عقلی کافی ندارند؛ بنابراین نقص عقل در اینجا نقص تجربه های عقلی اجتماعی است، نه ادراکات عقلی کلی؛ پس زنان نمی توانند در مسائل اجتماعی مشاوره درخوری دهند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵/۴۳۴).

کانت و روسو به تفاوت های جنسیتی در اخلاق و تأثیر جنسیت بر معرفت اخلاقی معتقدند و قوه شناخت زنان و مردان را متمایز از یکدیگر می دانند؛ ولی کانت به فرودستی یکی بر دیگری معتقد نیست و می گوید قدرت فهم مرد بیشتر از زن است؛ اما فهم زن زیباست. وی می گوید یادگیری های دقیق و ژرف اندیشی های مهم، لطافت خاص جنس مؤنث را ازین می برد. شوپنهاور برخلاف کانت، زنان را فاقد هرگونه قدرت استدلال می داند و معتقد است به «عدم بلوغ ذاتی» منتهی می شود. وی بر همین اساس نتیجه می گیرد عقل زنان همیشه نابالغ می ماند (لوید، ۱۳۸۱: ۱۱۶). رویکرد روان شناسانه به جنسیت، برخی رفتارهای انسان را متأثر از یادگیری می داند و معتقد است افراد براساس طرحواره جنسیتی قادر به خودپنداری هستند (بارون و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۱-۱۹۲؛ شولتز و شولتز، ۱۳۹۲: ۳۱۹). دیلمی همچنین ابزارهای شناخت در زنان را ضعیف تر از مردان دانسته و بر این اعتقاد است که هرچند زنان و مردان به لحاظ ابزارهای عقلانی و معرفتی یکسان هستند، اما در دریافت حقایق به شیوه عقلانی و منطقی زنان به نسبت مردان از ضریب خطای بیشتری برخوردارند (دیلمی، ۱۳۹۱، ۱۰۸).

سیمون لوی معتقد است حجم جمجمه زن کمتر از مردان است؛ ازین رو، عقل زنان نقص

دارد؛ پس شایستگی ندارند کارهای اجرایی مهم به آنها واگذار شود (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۶؛ هولمز، ۱۳۸۷، ۵۴-۵۵؛ فریدمن، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۴)؛ اما براساس محاسبه دقیق دوبووار، وزن متوسط محتوای مجموعه زن ۱۲۲۰ گرم و مرد ۱۳۶۰ گرم، و وزن نسبی در زن ۱/۴۴۲ و مرد ۱/۴۸۴ است؛ پس وزن مغز و پیشرفت هوش ارتباطی با یکدیگر ندارند (دوبووار، ۱۳۸۰: ۷۳-۷۵).

پیرتو معتقد است معمولاً دختران را از توانمندی‌های شناختی خود بازمی‌دارند. در ارتباطات غیرکلامی این باور وجود دارد که زنان قدرت الهامی (شهودی) بیشتری دارند؛ یعنی می‌توانند موقعیت‌های اجتماعی، انگیزه، احساسات و آرزوهای دیگران را بفهمند، بدون اینکه به ابراز آنها نیاز باشد (خسروی، ۱۳۸۲: ۵۹-۶۰). راس نیز همانند پیرتو معتقد است هرچند در نظریه‌های علمی اولیه بر نقص عقل و فطرت زنان تأکید می‌شد، امروزه کمتر به عوامل شناختی و بیشتر به تفاوت‌های احتمالی در نوع توانایی‌های شناختی زن و مرد توجه می‌کنند. وی همچنین می‌گوید نتایج مطالعات قالب‌های جنسیتی، حاکی از توانایی یکسان فکری و هوشی در عموم زنان و مردان است (راس، ۱۳۸۰: ۱۹۶-۱۹۷)؛ بنابراین براساس پژوهش‌های زیست‌شناختی، باوجود تفاوت‌های زیستی و تأثیر آنها در رفتارهای اجتماعی، تفاوت‌های هوشی یا عقلی در زنان و مردان وجود ندارد و هر دو جنس قدرت یکسانی در هوش، عقل و فهم دارند؛ اما امکان بروز این توانایی‌ها، متناسب با شرایط افراد در اجتماع متفاوت است. مردان به دلیل حضور اجتماعی بیشتر این توانایی را بیشتر کرده‌اند؛ اما زنان به دلیل موانعی نظیر عرف یا خانواده از پرورش آن بازمانده‌اند.

۳/۱. جنسیت و بعد عاطفی

از دیگر موضوعات در زیست‌شناسی زنان و مردان، ساختار فیزیکی این دو جنس و نحوه قرار گرفتن عواطف در نیمکره‌های مغز است که منجر به وجود تفاوت‌هایی در اظهار عواطف و رفتار زنان و مردان شده است (بار، ۱۳۸۳: ۵۴-۵۹؛ گرت، ۱۳۸۰: ۲۱)؛ یعنی عواطف در مردان، مستقل از فعالیت‌های دیگر مغز است؛ ازاین‌رو مردان هنگام سخن گفتن احساساتی نمی‌شوند؛ اما عاطفه در هر دو نیمکره مغز زنان وجود دارد و بر همه رفتارهای زن تأثیر می‌گذارد؛ ازاین‌رو عقل در مردان، به‌ظاهر نمود بیشتری پیدا می‌کند؛ بر همین اساس، زنان را

به دلیل رفتارهای عاطفی خود در کارهای اجتماعی تحقیر می‌کنند و فرودست می‌شناسند. برخی اندیشمندان رفتارهای انسان را متأثر از یادگیری می‌دانند و معتقدند انسان براساس طرح‌واره جنسیتی قادر به خودپنداری است (بارون و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۱-۱۹۲؛ شولتز و شولتز، ۱۳۹۲: ۳۱۹). بخش دیگری از تفاوت‌های عاطفی زنان و مردان به بحث زیست‌شناختی در خصوص توانایی روحی- روانی آن‌ها باز می‌گردد. ویلسون عوامل تعیین‌کننده رفتار را هورمون‌ها می‌داند و معتقد است علت اینکه مردان به لحاظ زیستی از زنان پرخاشگرترند، ترشح فراوان هورمون تستوسترون در آن‌هاست (بار، ۱۳۸۳: ۵۴؛ گرت، ۱۳۸۰: ۱۹). گفتنی است علاوه بر مراکز عاطفی مغز، هورمون تستوسترون مردان را آماده فعالیت‌های عاطفی مبتنی بر رقابت، تهاجم و پرخاش، و هورمون پروژسترون در زنان، عواطف لطیف مادرانه را قوی می‌کند؛ بنابراین بر مبنای تحقیقات زیست‌شناختی، پاره‌ای از تفاوت‌های روحی- روانی زنان و مردان، منشاء زیستی دارد.

همدلی از دیگر مصادیق بعد عاطفی و به معنای بیان‌پذیری عاطفی و توجه به احساس عاطفی شخص دیگر است. همدلی خود را جای دیگران گذاشتن و حالت عاطفی آن‌ها را درک کردن است (شیلی‌هاید، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۳۹). زنان به دلیل عاطفی بودن، زودتر از مردان از احساسات دیگران آگاه می‌شوند و همدلی می‌کنند و همدلی‌شان از مردان بیشتر است (منطقی، ۱۳۹۰: ۱۴۵-۱۵۵). فمینیست‌ها عاطفی بودن زن را نقصی می‌دانند که کارایی او را در کارهای منزل و نگه‌داری از فرزندان محدود می‌کند (ایریس، ۱۳۸۵، ۹۹-۱۰۶؛ بروک و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۰-۱۴۴)؛ اما آیت‌الله جوادی آملی معتقد است اسلام از عاطفه زن برای تربیت استفاده می‌کند. اسلام زن را در سایه حجاب و فضایل ارزشمند، به حضور در اجتماع دعوت می‌کند تا معلم مهربانی، رقت قلب، لطف، صفا، وفا و ... شود؛ پس اسلام به حضور زن محجبه در جامعه تأکید می‌کند تا درس عفت و عاطفه بدهد (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۹۷). ایشان برخلاف کسانی که عاطفه زن را برای او ضد ارزش می‌دانند، آن را گوهر باارزشی در مسیر تلطیف جامعه می‌دانند. آیت‌الله جوادی آملی برخلاف فریدمن (فریدمن، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۴)، معتقد است وجود زنان در جامعه می‌تواند خشونت و خشکی افکار را بزدايد. ایشان با زیست‌شناسان

مخالف نیست که زن و مرد تفاوت‌های زیستی دارند، پاره‌ای از رفتارهای اجتماعی انسان‌ها ناشی از تفاوت‌های زیستی آن‌هاست و زن عواطفی دارد که برخاسته از تحریک سیستم عاطفی نیم‌کره‌های مغزی اوست؛ اما معتقد است زن می‌تواند براساس اراده، که نشأت گرفته از روح متعالی الهی اوست، با تمرین و تکرار خود را از زیر سلطه بی‌قید و شرط عواطف درآورد و به آن کمتر اجازه بروز دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳/۳۵۵).

۴/۱. جنسیت و بعد جسمانی

محققان تلاش می‌کنند تا با تفاوت‌های زیستی و تأثیرات ژنتیکی در ایجاد تفاوت‌های رفتاری زنان و مردان، رفتارهای آن‌ها را توجیه کنند؛ اما پارسونز معتقد است زنان براساس نقش زیستی خود قدرت‌گریزی دارند دیگران را پرورش دهند و از آن‌ها مراقبت کنند. وی می‌گوید ساختار زیستی مردان به گونه‌ای است که آن‌ها را برای نقش ابزاری در خانواده آماده می‌کند تا برطرف‌کننده نیازهای اقتصادی خانواده باشند. به اعتقاد او کودکان برای اینکه بتوانند به افراد مؤثری در جامعه تبدیل شوند، باید در خانواده پرورش یابند و نقش‌های والدی مردان و زنان را مشاهده کنند (گرت، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۷). هر جامعه‌ای وظایف خاصی را داخل و خارج از خانه برای هر دو جنس زن و مرد در نظر گرفته است. انتظارات و هنجارهای اجتماعی نیز با این نقش‌های جنسیتی همراه است؛ مانند نوع لباس پوشیدن و آرایش کردن، تعاملات و راه‌ورس‌های اجتماعی، الگوهای رفتار جنسی و ... این انتظارات و هنجارها در دوره‌ها و فرهنگ‌های مختلف، متفاوت‌اند و همگی بر تمایز زن و مرد و حفظ سلطه مردان بر زنان در کارهای اقتصادی و سیاسی تأکید می‌کنند (راس، ۱۳۸۰: ۱۹۲).

۵/۱. جنسیت و بعد فرهنگی و اجتماعی

جامعه‌شناسان می‌توانند با سازه اجتماعی جنسیت پی‌ببرند که جامعه چگونه هویت خاصی را از زن بودن و مرد بودن خلق می‌کند؛ زیرا نهادهای اجتماعی و تعاملات روزمره الگوسازی رفتاری می‌کنند. این نهادها به راه‌وروش‌هایی هم اشاره می‌کنند که باید طبق آن‌ها عمل شود (هولمز، ۱۳۸۷: ۲۷). سیمون دوبووار معتقد است آدمی زن زاده نمی‌شود، بلکه زن می‌شود؛ یعنی زیست‌شناسی زنان آنان را فروتر نمی‌کند، بلکه نقش اجتماعی و شیوه

رفتاری اجتماع موجب می‌شود زنان را در موقعیت فروتر نگه‌دارند. ساخت اجتماعی «زن»، سرکوب دائمی زنان بوده است و آزادی زنان وابسته به رها شدن از ساخت اجتماعی «مؤنث ابدی» است که آن‌ها را به مرتبه اجتماعی و اقتصادی حقارت‌باری تنزل می‌دهد (فریدمن، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۷).

در فرهنگ‌های مختلف، تصورات قالبی دربارهٔ زنان و مردان وجود دارد. تصورات قالبی با بن‌مایه منفی به زنان بیشتر است؛ مانند «همهٔ زنان شبیه هم هستند». یکی از تصورات قالبی مثبت دربارهٔ مردان در فرهنگ‌های مختلف این است: «قاطعیت، قدرت، اعتمادبه‌نفس، جاه‌طلبی، شیوهٔ رفتار و قضاوت عقلانی»؛ اما دربارهٔ زنان می‌گویند: «منفعل بودن، سلطه‌پذیری، بی‌ارادگی و عدم قطعیت، عمل و قضاوت از روی احساسات و وابسته بودن»؛ اما بررسی درستی یا نادرستی این تصورات، ماهیت پیچیده‌ای دارد؛ در واقع تفاوت جنسیت‌ها به تأثیر تصورات قالبی برمی‌گردد، نه تفاوت زنان و مردان (بارون و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۸۶-۲۸۷؛ هیلاری، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۵). از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی معیار ارزش انسان در اسلام، به معرفت و تربیت است و زن و مرد در این اصول، ارزش مساوی دارند (جوادی آملی، بی‌تاب: ۲۳۹). اگر زنان در علوم تبحر دارند، واجب است آن‌ها را تدریس کنند. اگر زنانی به نکات دقیقی در مسائل دینی آگاهی یابند، که مردها به آن توجه نکرده‌اند، تدریس و تعلیم بر زن واجب عینی می‌شود. اگر علمی را زن و مرد هر دو بدانند، تعلیم و تدریس آن‌ها برای زنان واجب کفایی است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۴۰۴ و ۱۳۸۶: ۵/۳۰۵) باید گفت که عاطفی بودن زن، ذاتاً مانع تعدیل قوای عقلی و فکری او نیست. زن همانند مرد، اعتدال عقل نظری دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲/۴۴۳). ایشان تأکید می‌کند که زن و مرد برای سیر در مدارج عالی کمال تفاوتی ندارند و معتقد است که از دیدگاه اسلام، حضور زن در جامعه برای عمل به تکالیف اجتماعی خود است و او به قصد جلوه‌گری برای جنس مخالف در اجتماع حاضر نمی‌شود. (جوادی آملی، بی‌تاب: ۳۱۷). زنانی که با عشوه‌گری در جامعه ظاهر می‌شوند و جنسیت خود را نمایش می‌دهند، انسانیت خود را فدای جنسیت کرده‌اند. اسلام می‌خواهد زن با انجام دادن وظایفش به مقام انسانی خویش برسد؛ بنابراین مسئولیت‌پذیری زن در قبال قوانین و احکام

الهی، موجب ارتقای مقام انسانی اوست، نه باعث ارضای امیال نفسانی مردان. نباید تصور کرد که عفاف و حجاب ویژه زنان است یا ویژگی مردان، بلکه آن‌ها را باید در همه اقشار اجتماعی مشاهده کرد و به گروه خاصی اختصاص ندارند (همان)؛ بنابراین آیت‌الله جوادی آملی همانند روانشناسان و جامعه‌شناسان، تأثیرپذیری افراد را از جامعه می‌پذیرد و براساس طرح‌واره سنتی معتقد است افراد جامعه اسلامی خود را با قوانین و دستورات الهی مطابقت می‌دهند و متناسب با جایگاه و نقش‌های اجتماعی خود در جامعه فعالیت می‌کنند. زنان و مردان مسلمان براساس فرمان‌های الهی حاکم در جامعه رشد می‌کنند و تربیت می‌شوند. فرهنگ جامعه اسلامی، فرهنگ الهی است که هر دو جنس در جایگاه خود ارزشمندند؛ زیرا در فرهنگ اسلامی، ارزش هر انسانی به اندازه تکامل روحی اوست. زنان و مردان جامعه به اندازه درجات معنوی و سیر و سلوکشان، نزد خداوند صاحب منزلت می‌شوند.

۲. جنسیت و احکام اخلاقی

براساس حسن و قبح ذاتی افعال به نظر می‌رسد اصول اخلاقی مطلقاًند و چیزی به نام اخلاق زنانه یا مردانه وجود ندارد. ممکن است در بعضی مصادیق یا فروع تفاوت‌هایی باشد؛ ولی اصل حکم ثابت است؛ یعنی برخی اصول اخلاقی به‌طور مطلق برای هر دو جنس خوب و برخی به‌طور مطلق بدند؛ مانند خوبی کمک به انسان نیازمند. کمک در صورت توانایی و نبود مانع همیشه مطلوب است و ضد آن همیشه نامطلوب. این اصول برای همه در همه مکان‌ها و زمان‌ها یکسان است و جنسیت‌پذیر هم نیست. بعضی از صفات مانند راست‌گویی یا دروغ‌گویی ممکن است در موقعیتی، نسبی باشند؛ اما این نسبی‌گرایی همه صفات را دربر نمی‌گیرد؛ برای مثال، اگر نجات جان انسان بی‌گناهی، منوط به پاسخ‌دروغی باشد، دروغ‌گویی در اینجا به‌اندازه راست‌گویی ارزشمند است. ارزش‌های اخلاقی برای همه افراد در همه مکان‌ها و زمان‌ها ارزشمند و ضدا ارزش‌های نیز ضدا ارزش است. ارزش‌های اخلاقی با قید «فراگیری آن برای همه»، نشان‌دهنده جنسیت‌ناپذیری آن است. این نکته را نباید فراموش کرد که هرچند ارزش‌های اخلاقی ثابت‌اند، در اولویت‌بندی

ارزش‌ها و تزامشان، وظایف و توانایی انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود و نقش‌ها متناسب با جنسیت شکل می‌گیرند.

۱/۲. تناسب جنسیت و نقش‌ها

عقل حسن و قبح آنچه را درباره‌ی تناسب موقعیت اخلاقی با جنسیت گفتیم، در بسیاری موارد درک می‌کند و آموزه‌های دینی نیز در بسیاری موارد به این شرایط ویژه توجه کرده‌اند. برخی از ارزش‌ها و هنجارهایی که در آموزه‌های دینی آمده است، با نقش‌های جنسیتی (زن و مرد) تناسب دارد؛ همانند هنجارهای حاکم بر نقش مادری که متناسب با تحمل و صبر فراوان مادر و ویژگی‌های عاطفی او در عشق و محبت به کودک است. این احکام با اهداف آفرینشی طراحی و مهندسی شده‌اند؛ یعنی چون هدف از خلقت بشر، کمال و تعالی روح است، احکام اخلاقی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که با این هدف سازگار باشند؛ از این رو، این احکام اخلاقی فضیلت‌اند؛ اما اگر احکامی ما را از این اغراض آفرینشی دور کند، به دلیل ناسازگاری با طبع کمال‌گرای انسان، بدند و به آن‌ها قبیح می‌گویند. روشن است هر آنچه ذاتاً خوب باشد و انسان را در مسیر فطری خویش به رشد و کمال برساند، عقل و عقلای عالم آن را می‌پذیرند. عقل با احکام اخلاقی کاملاً سازگاری دارد و هر آنچه با فطرت مطابقت داشته باشد، با عقل هم مطابقت خواهد داشت و در مواردی که تطابق فطرت با عقل نباشد، عقل هم با او ناسازگار خواهد بود.

بنابراین باید گفت اصل اولیه در احکام اخلاقی با چنین ویژگی‌هایی آن است که جنسیت‌پذیر نیستند؛ زیرا هر یک از دو جنس با ویژگی‌های مذکور در راستای علو روح و منزلت روحانی خود قدم برمی‌دارد و در زندگی دنیوی نیز با رعایت این احکام اخلاقی به سوی سلامت روحی خود، خانواده و جامعه حرکت می‌کند. هر چند ممکن است به دلیل اقتضائات خاص برخی احکام اخلاقی درباره‌ی زنان و مردان تفاوت داشته باشند، نظیر برخی احکام اخلاقی عفاف برای زنان در جامعه، که ممکن است در مقایسه با مردان دایره‌ وسیع‌تری داشته باشد؛ اما روشن است که به معنای تمایز اخلاقی زنان و مردان نیست. احکام اخلاقی زنان و مردان در نگاه کلی، مطلق‌اند. ویژگی‌های روحی - روانی افراد

متناسب با عوامل درونی و بیرونی شکل می‌گیرد. پیدایش این تفاوت‌ها در هردو جنس، که برگرفته از عوامل درونی و بیرونی است، ملازم با تفاوت اساسی در احکام اخلاقی نیست؛ به عبارت دیگر، هرچند افراد از نظر برخی جنبه‌های روحی - روانی متأثر از آن عوامل باهم تفاوت دارند، اما وجود وحدت حقیقت انسانی مانع از آن می‌شود که آن عوامل موجب تفاوت اقتضانات انسانی برای تعالی اخلاقی زن و مرد شود.

باتوجه به نظر صریح آیت‌الله جوادی آملی که حقیقت وجودی انسان را روح واحد در نظر گرفته و از سوی دیگر، ارزش‌های اخلاقی انسان عام و مطلق است، باید گفت ایشان اقتضانات حقیقت روح انسانی را در تعالی اخلاقی برای انسان مطلق می‌داند و اعتقادی به جنسیتی بودن آن ندارد؛ مگر درباره برخی فروع. ایشان اخلاق زنانه و مردانه را نمی‌پذیرد. همچنین باید توجه کرد که دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره احکام اخلاقی، منطبق با اصول فلسفه اخلاقی است که مبتنی بر فضیلت اخلاقی، اصل تعمیم‌پذیری و تناسب، سودگرایی عمومی و حسن و قبح عقلی است.

بر اساس اصل عدالت الهی، همه انسان‌ها به حکم انسانیت، حرمت و کرامت تکوینی یکسانی دارند و اشتراک همه انسان‌ها در انسانیت، به مردانه یا زنانه بودن آن‌ها مربوط نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، زنان و مردان ارزش‌های اخلاقی یکسانی دارند. ارزش‌های اخلاقی از اصول و قواعد عام اخلاقی نشأت می‌گیرد. برای تشخیص ارزش‌ها و تعالی اخلاقی زنان و مردان به چه ملاکی باید متوسل شد؟ آیت‌الله جوادی آملی تقوا را به نقل از قرآن کریم معیار ارزشمند سنجش اعمال می‌داند: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات/۱۳) معیار تقوا و پرهیزکاری، اکتسابی و ارزشی است و به دنبال آن خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَنْتُمْ لِأَعْمَالِكُمْ كَانْتُمْ﴾ (آل عمران/۱۹۵) اینجا سخن از نفسی تأثیر جنسیت و نبود تفاوت در پذیرش ارزش‌های اخلاقی است؛ بر این اساس می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾ (آل عمران/۱۹۳) نزد خداوند همه زنان و مردان مستجاب‌الدعوه هستند، هردو جنس یکسان‌اند و تنها معیار برتری نزد او کرامت انسانی و تعالی روحی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶/۷۲۳).

براساس مبانی انسان‌شناسی اسلامی، هدف همه انسان‌ها رشد تعالی و قرب الهی است. برای رسیدن به این جایگاه، عدالت الهی اقتضا می‌کند که همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن جنسیت، وسایلی داشته باشند؛ از این رو خداوند وسایل لازم را به صورت استعداد های تکوینی یا تشریحی در اختیار همه انسان‌ها (زن و مرد) قرار داد تا هم آن‌ها را امتحان و هم در رسیدن به هدف یاری کند. بر مبنای انسان‌شناسی اخلاقی، شأن اخلاقی، کرامت ذاتی، جایگاه انسان نزد پروردگار، گوهر وجود او، سلوک و منش، داشتن سرشت نیک و بد و سعادت اخروی هیچ‌یک جنسیت‌پذیر نیست و جنسیت هرگز در ارزش‌گذاری اخلاقی دخالتی ندارد. از دیگر مواهب تکوینی و تشریحی زنان و مردان، استعدادها، ابزار ادراکی اعم از عقل، قلب، گوش، چشم ظاهری و باطنی، فطرت الهی، وجدان اخلاقی، مواهب طبیعی، خلقت یکسان و ... است. وجود انبیای الهی و صحف ربانی برای تعلیم و تربیت در سیر صعودی قرب الهی همه زنان و مردان از دیگر مواهب تشریحی است. اگر روح توحیدی بر وجود انسان حاکم شود، اخلاق در وجود او جای می‌گیرد و مانع بسیاری از انحرافات می‌شود. انسان بهره‌مند از ارزش‌های الهی به مقام «والذین آمنوا اشد حبا لله» (بقره/۱۶۵) می‌رسد که همان جایگاه رفیع و مقام منبع مخلصان است؛ به عبارت دیگر، از نظر خداوند، مبنای کمال یا نقص ایمانی و اخلاقی جنسیت نیست.

اما از چه راهی می‌توان به گزاره‌های اخلاقی جنسیت دست یافت؟ براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی از راه عقل، آیات و روایات. این راه‌ها مختص زنان یا مردان نیست، بلکه هر دو می‌توانند از این مسیرها استفاده کنند. عقل بسیار راه‌گشاست و با استفاده از دو منبع دیگر می‌تواند انسان را در حل بسیاری از مشکلات اخلاقی، تشخیص احکام اخلاقی و به‌کارگیری آن‌ها در زندگی یاری دهد.

۲/۲. جنسیت و بعد اجتماعی - سیاسی

در تبیین فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان و مردان در جامعه با رعایت احکام اخلاقی برگرفته از مکتب اسلام، خداوند متعال خطاب به مردان می‌فرماید اگر دوست ندارید که زنان مانند شما مردان، در اجتماع سمتی داشته باشند و در صحنه سیاست، پزشکی،

فرهنگی و تعلیم و تربیت حضور داشته باشند، [بدانید] که این افکار نشأت گرفته از تعصبات و رسومات جاهلی است که باطل هست؛ بنابراین حضور زنان در اجتماع را بپذیرید شاید خیر فراوانی در این کار باشد که شما نمی دانید (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۳۹۵).^۱ در بخش های نظامی، سیاسی، عرفان و حدیث، زنان نمونه بسیاری هستند نظیر ملکه سبا که خداوند از او با عظمت یاد و او را عاقل معرفی می کند؛ زیرا دعوت حضرت سلیمان را با خشوع پذیرفت و گفت: ﴿أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (نمل/۴۴). "با این که ملکه سبا از قدرت فراوانی برخوردار بود، اما با وجود همه امکانات و قدرت های سیاسی، نظامی، تسلیم بنده خدا شد که نشان دهنده عاقل بودن این زن است" (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۲۸ و ۲۸۷). منظور ایشان از این عبارت، توانایی مدیریتی زن است؛ اما همان گونه که وی بارها به این نکته اشاره کرده است، کارهای اجرایی که با نامحرم ارتباط بسیاری داشته باشد، برای زنان شایسته و مناسب نیست. ایشان برای تبیین حضور زن در عرصه های مختلف، از جمله سیاست، احقاق حق و ... به داستان سوده همدانی اشاره می کند. او بعد از شهادت علی بن ابی طالب علیه السلام به قصد شکایت از ستمگری های بسربن ارطاة به دربار امویان رفت و با معاویه سخن گفت. برداشت آیت الله جوادی این است که حضور زن در اجتماع و سیاست همانند مرد است. زن نه تنها می تواند برای بازپس گیری حق خود نزد حاکمان برود، بلکه می تواند حامی حقوق دیگران باشد؛ افزون بر این او موظف است حقوق دیگران را معروف بداند، از آن ها حمایت کند، فقط به حقوق خود نیندیشد و دفاع از حقوق خود را بدون دفاع از حقوق افراد جامعه زشت بداند؛ همان گونه که در آیه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ﴾ (نور/۶۲) آمده است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۳۰۳-۳۰۴).

آیت الله جوادی آملی برای دور ماندن زنان از خطرات احتمالی معتقد است اگر اداره جامعه بر اساس پوشش و طهارت روح باشد، ممانعت شرعی برای حضور زن در وکالت،

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُمُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَغْضُلُوهُنَّ لِيَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ (نساء/۱۹).

وصایت، ولایت بر محجورین، ولایت بر رقبات وقف و ... نخواهد بود و حق زن هرگز به مواردی مانند نگهداری از فرزندان محدود نمی‌شود (همان: ۳۵۸). بسیاری از کارهای اجرایی برای زن جایز است؛ اما اولویت این است که کارهای اجرایی زنان، به‌عهد خودشان گذاشته شود. زنانی که به مقام فقاها می‌رسند، می‌توانند در مسائل مشورتی، نظیر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی حاضر باشند. اگر برای شورای نگهبان شش فقیه مرد در نظر گرفته‌اند، به دلیل تحمل آن‌ها در حل مشکلات است. حضور زنان به دلیل ارتباط با مردان، برای آن‌ها محذوریت ایجاد کرده است؛ و گرنه فقهای زن می‌توانند نظر، فتوا و مشاوره بدهند (همان: ۴۰۱). مسئولیت اجرایی مراکز مختص زنان، همانند دانشگاه‌ها، باید برعهده زنان باشد. چرا مردان باید ولایت جامعه را در دست داشته باشند؟ ایشان معتقد است ولایت ادامه امامت است. ولی جامعه دستور جنگ و صلح می‌دهد، با مردم ارتباط بسیاری دارد، فعالیت‌های بدنی بیشتری می‌کند و ... پس این کارها به انسان قوی و مستحکمی نیاز دارد؛ همان‌گونه که در بعضی سطوح مدیریتی، قسمت‌هایی مخصوص زنان است و مردان اجازه دخالت ندارند؛ مگر ضرورتی در کار باشد (همان: ۴۰۲). از سخنان آیت‌الله جوادی آملی برمی‌آید که ایشان با بیان حقوق اجتماعی زنان و مردان به احکام اخلاق اجتماعی و سیاسی اشاره می‌کند و با بیان احکام فقهی و حقوقی، احکام اخلاقی را نیز منظور و دیگران را ملزم می‌کند که این احکام اخلاقی را در قبال زنان در اجتماع و سیاست رعایت کنند.

بنابراین زن و مرد در حقوق انسانی و ارزش‌ها فرقی ندارند؛ همان‌گونه که قرآن به‌صراحت می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِتِينَ وَالْقَائِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (احزاب/ ۳۵) اینجا سخن از نفی تأثیر جنسیت و تفاوت نداشتن زن و مرد در چیزهای مختلف است. البته نگاه قرآن به معنای تساوی نیست؛ براین اساس می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا

بِرَبِّكُمْ فَأَمَّا ﴿آل عمران/ ۱۹۳﴾ نزد خداوند همه زنان و مردان مستجاب‌الدعوه هستند، هر دو جنس یکسان‌اند و تنها معیار برتری نزد او، کرامت انسانی و تعالی روحی است: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَأَمُّكُمْ﴾ (حجرات/ ۱۳)

نتیجه‌گیری

براساس تطبیق دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی با دیدگاه‌های روانشناسان، جامعه‌شناسان و فمینیست‌ها درباره جنسیت و تمایز احکام اخلاقی، به این نتایج دست یافتیم:

۱. مهم‌ترین شاخص در هر جامعه‌ای، ارزش‌های اخلاقی آن جامعه است. مکتب اسلام جامع همه ارزش‌های اخلاقی نظریه‌هایی مانند اخلاق فضیلت، سعادت‌گرایی، سودگروی، دیگرگروی، خودگروی و وظیفه‌گرایی است. رویکرد این مکتب به بحث جنسیت، نگاهی وسیع، بی‌طرفانه و دور از افراط و تفریط است؛
۲. براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی از آنجاکه روح انسان (زنان و مردان) حقیقت واحدی دارد، احکام اخلاقی صادر از شارع مقدس برای هر دو جنس یکسان است و چون احکام اخلاقی اسلام در راستای سعادت انسان است، تمایزی در اصول این احکام اخلاقی زنان و مردان وجود ندارد؛ مگر در برخی فروع، مانند دستور پوشش به بانوان برای حفظ عفاف (حکم اخلاقی)؛
۳. هنجارهای اخلاقی یا ارزش‌های اخلاقی اسلام برای زنان و مردان یکسان‌اند و تفاوتی ندارند. اصول اخلاقی جنسیت‌پذیر نیستند و دستورات اخلاقی یکسانی برای هر دو وجود دارد. تنها در مواردی ممکن است مصادیق باهم تفاوت داشته باشند؛ اما فمینیست‌ها معتقدند اخلاق زنانه و مردانه وجود دارد و احکام اخلاقی حاکم بر آن‌ها نیز متفاوت است؛
۴. برخلاف فمینیست‌ها که احکام اخلاقی فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی را جنسیت‌پذیر می‌دانند، از نظر آیت‌الله جوادی آملی به دلیل جنسیت‌ناپذیری احکام و ارزش‌های اخلاقی (به جز در موارد بسیار محدودی در فروع)، احکام و ارزش‌های اخلاقی فعالیت‌های سیاسی نیز جنسیت‌پذیر نیستند و زنان و مردان دوشادوش هم می‌توانند

فعالیت سیاسی کنند؛

۵. فمینیست‌ها خواستار تساوی حقوق زنان و مردان و استقلال مالی زنانند؛ اما آیت‌الله جوادی آملی اعتقاد دارد عدالت، که از مصادیق احکام اخلاقی است، اقتضا می‌کند زن و مرد به‌جای تساوی حقوق، که ظلم آشکار است، از تناسب حقوق بهره‌مند شوند؛
۶. فمینیست‌ها معتقدند جامعه عاطفه زن را نقص می‌داند که کارایی آن فقط در منزل و نگاه‌داری از فرزندان است؛ اما براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی عاطفه در زن افزون‌بر محبت و دوستی در خانواده، در جامعه عطوفت و رقت ایجاد می‌کند و محور تربیتی جامعه است؛
۷. برخلاف نظر برخی فلاسفه و کسانی که زنان را ناقص‌العقل می‌دانند، آیت‌الله جوادی آملی کاستی خرد زنان را نمی‌پذیرد و معتقد است زنان به‌دلیل نگاه‌داشته شدن در خانه، عقل اجتماعی‌شان کمتر پرورش یافته است و زنانی که در اجتماع حضور فعال دارند، همانند مردان، عقل اجتماعی وافی دارند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. فرهنگ فارسی معین.
۳. ایریس، ماریون یانگ (۱۳۸۵)، «آیا هویت جنسیتی مردانه توجیهی است برای سلطه مردانه؟» ترجمه فرخ قره‌داغی، در مجموعه مقالات فمینیسم و دیدگاه‌ها، شهلا اعزازی، روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
۴. بار، ویون (۱۳۸۳)، جنسیت و روان‌شناسی اجتماعی، مترجم: حبیب احمدی و بیتا شایق، نوید شیراز، شیراز.
۵. بارون، رابرت ا. و دیگران (۱۳۸۹)، روان‌شناسی اجتماعی، مترجم: علی تحصیلی، کتاب آمه، تهران.
۶. باستانی، سوسن (۱۳۸۷)، جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران.
۷. بریگته بروک و همکاران (۱۳۸۵)، «جامعه‌پذیری: زنان و مردان چگونه ساخته می‌شوند؟»، ترجمه مرسله صالح‌پور، در مجموعه مقالات فمینیسم و دیدگاه‌ها، شهلا اعزازی، روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
۸. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۷۶)، نهج الفصاحه، بی نا، قم
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶) سرچشمه اندیشه، در نرم افزار اسراء. مرکز نشر اسراء، قم
۱۰. _____ (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، در نرم افزار اسراء، مرکز نشر اسراء، قم
۱۱. _____ (۱۳۸۹)، ادب فنای مقربان، در نرم افزار اسراء، مرکز نشر اسراء، قم
۱۲. _____ (بی تا الف)، ادب قضا در اسلام، در نرم افزار اسراء. مرکز نشر اسراء، قم
۱۳. _____ (۱۳۹۳) زن در آینه جلال و جمال، در نرم افزار اسراء. مرکز نشر اسراء، قم
۱۴. _____ (بی تا ب)، حق و تکلیف در اسلام، در نرم افزار اسراء. مرکز نشر اسراء، قم
۱۵. خسروی، زهره (۱۳۸۲)، میانی روان‌شناختی جنسیت، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۱۶. دویووار، سیمون (۱۳۸۰)، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، انتشارات توس، تهران.

۱۷. دیلمی، احمد، (۱۳۹۱)، جنسیت و هنجارهای اخلاقی در قرآن و روایات، اخلاق و حیانی، سال اول، شماره ۱، ۱۰۱-۱۲۳
۱۸. راس، مایکل (۱۳۸۰)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه جواد طهوریان، آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۹. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸)، «تفاوت‌ها، هویت و نقش‌های جنسیتی» در مجموعه مقالات هویت و نقش‌های جنسیتی، به کوشش محمدرضا زیبایی‌نژاد، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران.
۲۰. سفیری، خدیجه و سارا ایمانیان (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی جنسیت، جامعه‌شناسان، تهران.
۲۱. شولتز، دوان پی و سیدنی الن شولتز (۱۳۹۲)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ویرایش، تهران.
۲۲. شیلی‌هاید، جان (۱۳۸۹)، روان‌شناسی زنان، سهم زنان در تجربه بشری، ترجمه اکرم خمسه، ارجمند و آگه، تهران.
۲۳. صادقی، هادی (۱۳۹۱)، جنسیت و نفس، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین (بی‌تا)، تفسیر المیزان، ج ۴، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، موسسه مطبوعات دارالعلم، قم.
۲۵. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، شریف رضی، قم.
۲۶. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۰)، اخلاق ناصری، تحقیق: مجتبی مینوی و علی‌رضا حیدری، خوارزمی، تهران.
۲۷. فریدمن، جین (۱۳۸۳) فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، آشیان، تهران.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۸)، اصول کافی، علمیه الاسلامیه، تهران.
۲۹. گرت، استفانی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقایی، بقایی، تهران.
۳۰. لوید، ژنویو (۱۳۸۱) عقل مذکر، ترجمه محبوبه مهاجر، نی، تهران.
۳۱. مسکویه، ابوعلی (۱۳۸۲)، کیمیای سعادت، ترجمه میرزا ابوطالب زنجانی، تصحیح: ابوالقاسم امامی، بینا، قم.
۳۲. منطقی، مرتضی (۱۳۹۰)، زن شرقی، مرد غربی، بعثت، تهران.

۳۳. نراقی، مهدی (۱۳۷۰)، علم اخلاق اسلامی، حکمت، قم
۳۴. نیازکار فاطمه و هادی صادقی (۱۳۹۵)، «جنسیت و روح در مبانی حکمت متعالیه با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی» فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال ۱۲، شماره ۴۵، ص ۲۴-۴۰.
۳۵. هولمز، ماری (۱۳۸۷)، جنسیت در زندگی روزمره، ترجمه محمد مهدی لیبی، افکار، تهران.
۳۶. هیلاری ام، لیبز (۱۳۹۳)، روان‌شناسی زنان، نگاهی نو، ترجمه فاطمه باقریان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

